

نمایش نامه

رئیس جمهور^ع

توماس برنهارد

جاهد جهان شاهی

برنهارد، توماس، ۱۹۳۱-۱۹۸۹ م.
نمایش نامه: رئیس جمهور / توماس برنهارد، جاهد جهانشاهی.
تهران: دیگر، ۱۳۸۵، ۱۲۸ ص.

ISBN: 964-7188-69-2 ۱۳۰۰ تومان

عنوان اصلی: Spectaculum 24: fünf moderne theaterstucke
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیفا.
۱. نمایشنامه‌ی آلمانی - قرن ۲۰ م. الف. جهانشاهی، جاهد، ۱۳۲۵، مترجم.
ب. عنوان.

PT

ن ۴۸۳ پ ۹۱۴ ۸۳۲/۹۱۴

۱۳۸۳
م ۴۰۷۴۸-۸۳

کتابخانه‌ی ملی ایران

رئیس جمهور

توماس برنهارد

برگردان جاهد جهان شاهی

طرح روی جلد: یاشار امینی

چاپ اول: ۱۳۸۵

شمارگان: ۱۱۰۰

چاپ: تهرانی

صحافی: کتبیبه

قیمت: ۱۳۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۷۱۸۸-۶۹-۲

نشر دیگر

نشانی: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۱۷۹۹

تلفن / دورنگار: ۸۸۸۹۹۷۲۸

نشانی الکترونیک: Email: digar_80@yahoo.com

فروش اینترنتی: www.iketab.com

مقدمه

توماس برنهارد، شاعر، داستان و نمایش‌نامه‌نویس از نادر نویسنده‌گان معاصر جهان است که با نگاهی ژرف و علمی و تحلیل‌گر، ناملايمات زمان و زشتی‌های جامعه‌ی انسانی را به واضح‌ترین و تلخ‌ترین شکل ممکن ترسیم می‌کند، بر سیاست‌پیشه‌گان کوتاه‌بین و ویران‌گری‌های بی‌امان‌شان می‌تازد و زشتی‌های پیرامون را در ابعادی وسیع می‌نمایاند. هشدار می‌دهد، ندای نیک‌اندیشی سر می‌دهد و انسان‌ها را به ستیز با نابسامانی‌ها فرا می‌خواند.

توماس پس از گذراندن دوران دبیرستان مدتی به باغبانی پرداخت و سپس فروشنده‌ی پیشه کرد. از کودکی با موسیقی و آواز آشنا بود و سرانجام توانست در سال ۱۹۵۲ در آکادمی هنر و موسیقی وین تحصیل کند. سال ۱۹۵۷ تحصیلات دانشگاهی را با ارابه‌ی رساله‌ای تحت عنوان *مقایسه‌ی آثار برشت با آنتون آر تو* به اتمام رساند.

برنهارد اولین اثر خود را در سال ۱۹۵۰ منتشر کرد. مدتی برای روزنامه‌ی *دموکراتیشن فولکس بلات* که در یوگسلاوی منتشر می‌شد، گزارش‌هایی از دادگاه‌ها تدارک می‌دید. در ۱۹۵۶ از سیسیل ایتالیا سر در آورد و سال ۱۹۵۷ را در بوسنی هرزگوین سپری کرد. ۱۹۶۰ مدتی در لندن به کتاب‌داری پرداخت و در حفاصل ۱۹۶۲-۱۹۶۰ به لهستان رفت. پس از بازگشت تا واپسین دم زنده‌گی در اولزدورف اتریش سکنی گزید.

در آغاز فقط شعر می‌سرود و سپس به نمایش‌نامه‌نویسی روی آورد و در سال ۱۹۷۰ با نوشتن نمایش‌نامه‌ی *جشنی برای بورس* فعالیت دراماتیک خود را آغاز کرد. با نوشتن این نمایش‌نامه خوش درخشید و در جامعه‌ی تئاتری از جایگاهی معتبر برخوردار گردید.

توماس برنهارد کوشید با ارابه‌ی نمایش‌نامه‌های *جاهل و دیوانه*، و *قدرت عادت* نقش

هنر در جهان معاصر را به تصویر کشد. در نمایش‌نامه‌ی *جامعه‌ی شکار*، بیماری و خودکشی یک ژنرال به موازات جنگل در حال فنا پیش می‌رود.

تحقیر، تنفر و تکاپو مواردی‌اند که در جای‌جای آثار نویسنده به آن‌ها پرداخته می‌شود. اولین نمایش‌نامه‌ی سیاسی او *رئیس‌جمهور* نام دارد، که بخشی از آن در پرتغال پیش از انقلاب شکل می‌گیرد. در این نمایش‌نامه دیکتاتور و همسرش ایفاگر نقش اصلی هستند، طنز تلخ ملهم از شناخت و انتقاد نهفته در اثر، بر جذابیت کار می‌افزاید و نویسنده با تأکید بر جملاتی چون: *قدرت خواستار اطاعت است، خشونت وحشت به بار می‌آورد، نظم باعث تحریک و هرج‌ومرج می‌شود، شورش نابودی در پی دارد*، بار سیاسی اثر را تشدید می‌کند و تنفر حرف اول را می‌زند و همه‌چیز در بستر نظم خیالی، خواهی نخواهی رو به فنا می‌رود. پسر رئیس‌جمهور چون شناخت دقیقی از گذشته‌اش ندارد، با هرج‌ومرج طلب‌ها هم‌دست می‌شود.

در نمایش‌نامه‌ی *اصلاح‌گر جهان*، به وضوح می‌توان پی‌برد که نویسنده از جهان معاصر به کل مأیوس شده است.

دومین نمایش‌نامه‌ی سیاسی برنهارد *پیش از بازنشسته‌گی* نام دارد. خاطراتی تلخ و ناگوار و پیوسته از گذشته، در این اثر یک قاضی آلمان فدرال هر سال همراه خواهرانش تولد هیتلر را جشن می‌گیرد، چرا که او در دوران نازی‌ها فرماندهی اردوگاه‌های کار اجباری بوده است. تقریباً در تمام آثار برنهارد جایگاه والای انسان حرف اول را می‌زند و انزجار از جنگ‌افروزان و سرکوب‌گران به‌شدت خود می‌نمایاند. او نویسنده‌ای توانا و کاوش‌گر است که همواره تحولات جامعه‌ی بشری را زیرنظر دارد و هر جا فضای دموکراسی تنگ‌تر می‌شود، هراس او فزونی می‌یابد.

برنهارد تا زمانی که در قید حیات بود، در سرزمین خود اتریش مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گرفت، چه، همه‌گان انتقادهای بی‌پروای وی را بر نمی‌تافتند. ضرب‌المثل معروف اروپا که می‌گوید «نویسنده‌ی خوب، نویسنده‌ی مرده است» به‌درستی در مورد توماس برنهارد مصداق پیدا می‌کند.

هنوز چهارسال از مرگ این نویسنده‌ی موشکاف و منتقد نگذشته بود که یک‌باره لب به ستایش وی گشودند و سرآمد نویسندگان‌اش لقب دادند و آثارش را در تیراژ وسیع چاپ و توزیع کردند. برنهارد چون رفتار مردمان کشورش را می‌شناخت در وصیت‌نامه‌اش چنین نوشت: «شما می‌توانید نمایش‌نامه‌های مرا در قطب شمال و جنوب، در مغولستان یا هر جای دیگر به اجرا درآورید. ولی اجازه ندارید در اتریش اجرا کنید»

بحث و جدل و انتقاد به بخشی از وجود نویسنده تبدیل شده بود. در طول هر نسل

کم‌تر نویسنده‌ای یافت می‌شود که به خواسته‌های خود وفادار بماند و ناملایمات را به جان بخرد. برنهارد از آن شخصیت‌هایی بود که نمی‌توانست بدون دشمنان و دوستان بی‌شمار زنده‌گی کند و اثری بیافریند.

جامعه‌ی اتریش آن‌طور که می‌بایست فرزند خود را جدی نگرفت. حال آن‌که هم‌زمان نمایش‌نامه‌های برنهارد مطرح‌ترین سالن‌های نمایشی اروپا را در می‌نوردید و افتخار می‌آفرید و بر تحسین نخبگان جهانی دامن می‌زد. توماس برنهارد استوار ماند و بر ناملایمات و ناسزاگویی‌ها وقفی نگذاشت و آفرید.

آندره آس راز و موسیقی از دوستان دیرین برنهارد بر این باور است: آن‌چه امروز می‌توانیم بگوییم، برنهارد نویسنده‌ای برجسته بود، ولی اغلب تحلیل‌گران دولتی زحمت شناخت او را به خود ندادند و از کنارش گذشتند، حال که دیگر در میان ما نیست، زانو می‌زنند و پوزش می‌طلبند، ولی صادقانه باید اقرار کرد قدرت قلم برنهارد بر ترفندهای سیاست‌پیشه‌گان غلبه کرد.

از برنهارد نمایش‌نامه‌هایی دیگر چون *زوه‌ای دشت*، *اختلال*، *معدن آهک*، *نفس*، *پتهوون*، *یخ‌بندان*، *پنج جمله برای باله*، *کوه* (نمایش عروسکی) *می‌نتی*، *سرشناسان*، *قوری شیر*، *ایمانوئل کانت* و *بر فراز قله‌ها سکوت حکم فرماست*، به یادگار مانده است.

توماس برنهارد در سال ۱۹۸۹ در خانه‌ای که قدمت‌اش به سال ۱۴۹۵ میلادی می‌رسید سکوت ابدی اختیار کرد. م.